

توسعه شود و اگر بعضی از باب شصت و اسیب مختلف یعنی او که در اختیار
مکن باشد بدیم که یکی از اساطیر کتبی در نفی امام نوشته و افتتاح یافته
که محمد رسد الهی از حق العزالی من بین العلماء بخصیفة الاحیاء و در وقت کتبات
برهان حال هم این گوید و در علمای مشرف باشد که در تحقیق حلال
و اطلاق علمای ایشان متعارف شده است که می گویند که کفر از ایمان سواد است
در فضیلت ترا میله بودی است این هر دو جهان شود زمین که ترا به بگرد
نستودگان که عبودی است و معاندان امثال این در وقت جیاستیای
هم گفته اند در سال در جواب اعتراضات ایشان نوشته و در جمله غیر لغت
است که تو قیامی تو و غیر القدر و احیاء که از این سخن مسلم است اسلام
و مولانا محمد الدین در شرح مفصلا گویند چون امام اثبات حشر و معنی غیر
از این سخن حشر همانی است که استخرا یعنی با همه ما حفظ در راه راه بر
خبر و حد و دست در عین کار است که موقوف به ایت باشد و وسیع نمی
الدین نام امام بظیم نام ذکر میکند و در دوره فاطمه میگوید که شیخ این بیداند
یکی گفت در باره رسد که این اصحاب قاضی قرطبه در روز امام غزالی نوشته
و لغت برود که در خدیو و چون اندکی مطالعه کرد که کورس در سبب بود و دستغفا
کردم و حق تعالی با جوابی از آن داشت شش هر کس که بدین دوست صادق
باشد با خلق جهان و لیس موافق باشد یک نکته گوید که نباید گفتن
کاری نمکند که غیر لایوت باشد و نهم این بند روایت کند که امام غزالی از آن
دیدم که زنجیری در گردن خاک کرده بود و او را می گفتند گفتن این خاک است
فرمود این اصحابین قاضی قرطبه است که خدا را در و مسلط کرده تا چشم که سبب
نزد او استیغانت شده ام ظ برابر ظاهر برست ارضال با کافه نیست و در حق
ما هر چه که جای هیچ اگر نیست بر در میان از رفیق کار بزرگان بود خود
فردن از کوی میفرستان را نیست ن بنده برضایایم که لطفش دایم است

جان

عقابت

و در لطف شیخ و راه کاهت و کاهت است و نام عبدالمصیب بن اسعد با
سخ در اشتهار گوید که شیخ ابن عساکر در حدیث آن الذوالعالی نسبت المذکور
علی از کس که با سنة من بجود انما وینا فرمود که بر اسس مایه اولی عمر من
عبد العزیز رضی الله عنده بود بر اسس مایه تأیید امام شافعی رضی الله عنده و در
مایه تأیید ابوالحسن اشعری بر اسس مایه بر العزیز ابوبکر با قولی در بر اسس مایه
ابو جعفر غزالی و ولادت او در سنه چهل و نهم و در جمادی بود بطوس در نیشابور
شماره اما در کتب من سنه و چون او وفات یافت معسک سلطان رفعت و ظفر
اسکاک قدر او شناخت و تدرب بر بغداد در سنه اربع و ثمانین و در جمادی
با ولعوتین کرد و در سنه ثمان و ثمانین که رفت و در وقت مرگت ده
سال در مشرق بود و در مناره جامع اسیا و سبب کتب تصنیف که سبب بطوس
رفت و نحو الملک بن نظام الملک او را تکلیف نظامیه پیشا بود و در
اسیجا بود و بطوس عود کرد و خاتمی و در سنه ساجت و میلاد قران و نظام
صحبین کجای و مسلم مشغول بود و در صلیح یوم الاخیرین را در عسکری
سنه خمس و ثمانین وفات یافت و این خلکان گوید غزالی تشنه زاری است
بر عادت اسل خواری و هر صانع که خصما را اعتقاد می گویند و استونی و در جمادی
موافق اوست و صحافی در کتاب انساب گوید تحقیق زاری است و غزالی
از ولایت طوس و امام محمد قس الحدیث را در او از کار بر اسس شافعی بود و این
العضاه تهدا فی میرید اوست و در فرودین در سنه شصت و ثمانین وفات یافت
ف طریق ایشاق بر نیمی است میان فکرة تصوف و ایشاقیان در تحقیقات
مترجمه و در تحقیقات لیلیه می باشد و صاحب کتابت خات صوری و مشاهدت
معموری از وفات نا حکما همه از نراقی و و در بعضی انبیا اند و بعضی اولیا و
از فاسم حکمت را بوی و الهام معادله کرده اند و گویند اغانایم و چون شیخ علی
السلام است و هرگز بر اسس که در آن احکام نجوم و علمیات و طب است و این

احوال از غزالی

تصحیح

تأیید